

ترجمه ی لهجه و گویش هزاره گی به دری

تاریخ خون بار افغانستان مشحون عملکرد خشن حکومت‌های استبدادی و خود کامه است که حکمرانان مستبد، قتل عامها، کله منارها، سیاه چالها، زمین سوخته، کوچ اجباری، پاک سازی قومی و سیاست ژینوسید و غصب سرزمین آبائی و پدری را بالای اقوام محروم افغانستان و بخصوص مردم هزاره بصورت بی رحمانه و ظالمانه آن تطبیق نموده اند. و عمدتاً مردم هزاره پس از تصفیه قومی، مذهبی و غصب زمین و املاک پدری شان از ساحات هزاره نشین قندهار، ارزگان، هلمند و زابل توسط رژیم خون آشام امیر عبدالرحمن خان به شکل بیجا شدگان داخلی به مهاجرت و کوچهای اجباری و گروه های تبعیدی در نقاط مختلف افغانستان مجبور به مسکن گزینی گردیدند. بیش از یک سده قبل مردم هزاره در ساحات جنوب روسیه تزاری، ازبکستان، منطقه مرو ترکمنستان، قزاقستان و داغستان روسیه کنونی، سکونت اختیار کردند، که به مرور زمان هویت قومی، انتیکی و لهجه و گویش هزاره گی خود ها را از دست داده و در میان مردم این محلات حل و جذب شدند، اما مهاجران اجباری مردم هزاره ی افغانستان که در ایران بنام اقوام بربری و خاوری مشهورند یک قرن پیش در قریه های اطراف شهر مشهد ایران ساکن شدند ولی، آنان تا هنوز هویت قومی، لهجه و گویش هزاره گی خود ها را حفظ نموده اند.

بخشی دیگری از هزاره های فراری در نیم قاره هند در شالکوت ویا شهر کویته پاکستان امروز ساکن شدند که همچنان تا هنوز هویت قومی، لهجه و گویش هزاره گی را با اصالت قدیمی آن با تداخل برخی از لغات انگلیسی وارد و حفظ کرده است که بنام مردم هزاره کویته پاکستان یاد میشوند. هم چنان سایر گروه های تبعیدی و فراری مردم هزاره به کشورهای سوریه، عراق و هندوستان کنونی به نام اقوام خزاره مسکون شده و هویت قومی و لهجه مروج هزاره گی خودها را حفظ نموده اند، چون از لحاظ ساختمان فیزیکی و نژادی نتوانسته اند با مردم این ساحات مخلوط و جذب شوند. جامعه هزاره مانند دیگر جوامع قومی افغانستان دارای خصوصیات زبانی و گویش خاص لسانی خود است. مردم هزاره از گذشته های دور به لهجه مروج، دری هزاره گی مکالمه میکرده است و لهجه هزاره گی روی مشتقات، نحوه گویش و لهجه، به کار برد اصطلاحات و عبارات مغولی و ترکی و ویژه گیهای ارتباطی جملات، عبارات و نحوه تولید زبان و لهجه تکیه دارند. مردم هزاره با استفاده از لغات، اصطلاحات و نامهای مغولی، ترکی و دری امور لسانی خویش را به پیش می برند.

چنانچه که در رونوشت نکاح نامه ای کشف شده در قرن چهارم هجری از بامیان که به لهجه هزاره گی دری نوشته شده نشان دهنده ثبوت این موضوع میباشد و جامعه هزاره نسل در نسل اصالت زبان و گویش لهجه هزاره گی دری را منتقل ساخته است. در سال ۱۳۴۸ شمسی، شعبه زبان شناسی دانشکده ای ادبیات دانشگاه کابل لهجه های مردم ولسوالی یکاولنگ و دره فولادی مرکز ولایت بامیان را برای اطلس زبان شناسی افغانستان ثبت کرده است که نشان دهنده ای بیشترین لغات ترکی و مغولی در لهجه های هزاره گی میباشد و قاموس زبان هزاره گی که مجموعاً شامل ۱۴۵۰ لغت در سال ۱۳۵۲ شمسی بوسیله شاه علی اکبر شهرستانی عضو شعبه فرانسوی فاکولته ادبیات و علوم بشری تالیف گردیده که در این قاموس لغات لهجه هزاره گی با شاخه های مختلف زبانهای ترکی و مغولی و ازبکی مورد مقایسه قرار داده شده اند.

محمد عوض نبی زاد نیز جلد اول رساله لهجه های مروج مردم هزاره دایزنگی، بهسود و جاغوری را که شامل بیش از ۱۸۵۰ لغت میشود را در سال ۱۳۶۵ شمسی و جلد دوم این رساله که حاوی بیش از ۶۰۰ لغت لهجه مروج مردم هزاره میشود را در سال ۱۳۶۹ شمسی نوشته و در کابل به طبع رسانیده است.

اینک از میان لغات دو رساله چاپ شده (لهجه و گویش زبان هزاره گی ترجمه شده به زبان دری) تألیف صاحب قلم را که در ماه جنوری سال ۲۰۱۱ میلادی تنظیم و ترتیب و بعد از اصلاحات تکمیلی در جلد دوم کتاب مجموعه ی مقالات نبی زاده و درسایت های بیرون مرزی نیز به نشر رسیده است را جهت معلومات بیشتر به ترتیب الفباء در چند قسمت پیشکش علاقمندان و خوانندگان محترم میشوند و امیدوارم که مورد توجه شان قرار گیرند.

ترجمه ی لهجه و گویش هزاره گی به دری

		<u>هزاره گی حرف «الف»</u>	<u>دری</u>
هاون و آونگ	تاریکی کردن چشم	ایکر ته	یکباره تمام کردن کاری
سفید	حفاظت از ترس	ابلک	وارخطا
اونغور	جن و پری	اوسه	بعداً وپسانتر
ارگمرگ	بد خلقی	آلی	رفیق
ایسپی	شبه و مانند کردن	آبی	پدر
اولغوی تو	ذغال چوب	آتی	پدر
اوخلای	هر رنگ	آیه	مادر
آوخه لیو	کهنه و ژولیده	آیای	مادر
ادلی دلجی	دستدوزی لباس	ایگه چی	خواهر خانم
انگیشنت	استخوان	اپسو	زن برادر شوهر
ارجل	شوربای تخم مرغ	الختو	مادر حال
اژ غند	اسپ تندرو	ابغه	کاکا
ایر مه	آن	الغو	گام
اوستغو	ای خانم	الغوچگ	پلچک
اوشورک	سبز تیره	الغاو	دروغگو
ایرغه	خانم برادر	آغیل	قریه
اوته	کنج دامن پیراهن	اری	بلی
ایکه	جلوگیری	اتی	بلی
ایشیل	خودنمائی	اتوف	بلی
این گای	غذائی از آرد و دوغ	ایپه غو	پوست خشکیده جلد
اینگر	ناز کردن	اته کی	گره زدن موی
آیگنده	گدائی گر	الم جلم	ژنده پوش
استه قله	تصادف کردن	اله غه	چکش
اوماج	ریسمان قلبه	اله غه	کف دست
ایرکه تو له	بیکار و بی بندو بار	التن کنده	بیحال
اوسخور	محاصره و نگهداری	ایسنل جی	استاده کردن
ادوگوت له	اطاعت و از گفت شدن	الخ پلخ	بی نظم و سراسیمه
انتنگ	أنیست	اله په ته	عجله
ایله سر	بر خیز	ایله گوی	بد سخن
ایگل	مادر	ایله کدو	رها کردن
آزاید	مادر کلان	ایله چی	فرستاده خاص/خواستگار
حامله و باردار	خانم اشراف	اوپلجی کو	بنوشان
ارخای	حالا	اله مای له	اخطار بجنگ
آبای	جن زده	الیش کدو	بدل کردن
آپای	برخاستن	الای گو	دوستان
آغه	اریاب	اوشبورغو	ترسو
آکو	شرم و حیا	آوبینی گگ	زکام
انگلتو	ناخن	اله گگ	ابلق و خط دار
ارخستو	رویش کاری	ا ویلده مله گی	کم حوصیله گی
آولوغ	دبل و ضخیم	آیدکو	تهدید لفظی کردن
آی بر خوردو	همسر و خانم		
آخو	مادر اندر	آچه	مادرکلان
اوداو	تخمین	ایله	رایگان

آچار	علف	آچول	مادرکلان پدري
آباد	مزاجهای مختلف	آوسو	دفع زهر مار
اوگره	انواع آش	اله قومغای	پرنده گوشتخوار
ادقلجی	تخمین کردن	آله مگده	شراره آتش
افاگ دلجی	خفگ کردن	اله مغه	پشت گردن
اخته دلجی	عقیم کردن	آپه له	حرص و آز زیاد
آواسودلجی	جادو کردن	اوگ	خط باریک بافت
الغودلجی	گام انداختن	آمرو	مریضی دندان حیوان
آولمو	گپ بیهوده	ایلای	صرفه جوئی
آوپره	گذر از آب	اوبه	انبار سنگها
آوداو	اساس و بنیاد	اله هوئید	افواه و تبلیغات
آله مه غه	گوشت رانگوسفند	اموتور	همانطور
ایشکیل	بسته کردن پایحیوان	اوله جی	صداکشیدن سگ
آچه که لو	مادر پدرکلان	اورگوماج	غذای شکمبه گوسفند
آله کش	چوب دراز برای زراعت	آغو	آرزو و میل
شوتور بوغدی	خزنده شتر مانند	آچی	عطسه، زکام
آواردلجی	هموار کردن	آتیشگ	الماسگ
الترغو	بوته کوهی برای ریسمان	اتکلی	حدس و گمان
ایلمک	توپک دهن خورجین	آتیشگدانه	سیفلیس
ایلمگ	اشاره	اخته دلجی	خسی کردن گاو نر
ایله غو	محافظ	اتاله	تخمین
اینه جه	تنفس تند مریض	آوچی	زکام
النگکس	موج زدن آتش	آتره کی	بیگانه
ایرتکه	انگشت کلان دست	آد	عهد و پیمان
ایرگاچ	بز نر قوی	اوچغ	شاخه
ایرومقره	گیاه برای زخم	آدوله	احتیاط
انغو	سوراخ دسته بیل	آله	دورنگ
ایله بورشودو	چیزیراجستجو کردن	الته	بی عقل
ایل برغو	اخراج از مجلس	آله ده	خوف و ترس
انیز	عاجز و خسته	ارخال جی	ایستاده کردن
ایرگینگ	چوکات زیر دروازه	اوول	عجله و شتاب
اینه که دلجی	تکیه کردن	آبول	فریبکار و دروغگو
اولبورغو	همراهی کردن	آخوچای	رقصیدن نشسته
آنجگ مانجگ	قرض اندک	ایقراگ	غوغا و هیاهو
آبیور	کمینگاه	اوچور	وقت و زمان
آدوپه دول	موی نرم بز	آوروغ	نسب و نژاد
ایناو	غم و اندوه	اوش	توجه
آپو	بوجول بازی	این ناسگ	نفستنگی و خستگی
اوقره خور	نفرین شده	این جی	اینجا و در این محل
ایلوغیل	خودمانی	ایسنه ده	فازه کشیدن
انگو بنگ	درحیرت مانده	اله مگ	شعله آتش
ایلنگ سیلنگ	متردد و دودل	آله کدو	حمله کردن
اپله	پالیدن	آماند	آهسته گذاشتن
ایلمگ	گره خورد	ایساره	حالا
اپیره	نسلگیری حیوان	ایله سو	آتش کردن
آموجی	آرامشدن	آی دو	بیکاره
آخوداب دلجی	تهدید کردن	آوگار	زخمی

پندیده گی چشم
حرکت کردن
راه باریک کوهی
گروگان
زن برادر
سرکش و بی پروا
کم مقاومت
تسخیر باسخن
شعله آتش
مقاوم و دوامدار
بزرگنمائی
ساجیق
دره میان دو کوه
کمین گرفتن
نور افشانی
به کمرم
صحبت تیز
غالمغالی
داخل جوال
صندوق کلان
حیوان خصیه پشت
پوست ران
کار دکلان
ریسمان بار بند
بیحال و خسته
پرتاب چیزی به سرعت
باران
برقک زدن
بریان
عروس
بچه من
پرنده خورد و لاغر
آبکشی و تطهیر
گیاه کوهی خوردنی
گندنه و پیاز کوهی
آش خمیری
ناگهانی
قربانت شوم
بام خانه
دویش خمیده
غالمغالی
پولدار
خیاطی خط لباس
درخشنده
بره ها
نواسه ها
برای کسی

بوره جی
بوچوق
بارمل
باریمته
بی کای
بایوسر
بی جیل
بله بودی
بول درگی
بول غوتو
برم جی
بوگای
بومگ
بوغوچی
بلاغ ده
به سیروم
بیل بیلگ
بیل لاسی
برجیله
باروود
بوردگ
بیل چیق
بوگ ده
باله بار
بی لاز
بیربیل جی
بارو
برغانک
بیریو
بیری
باچی مو
بابورغنه
بولوغو
بلدرغو
بولو
بال گیو
بی بول غه
بالایبور توشه وم
بل خه نه
بوگ بوگ
بوقاسی
بای بو
باخیه
بل لس
برگو
بره گو
بالدی ایگو

از رمه جداشدن
اشتیاق
بز آهو
گیاه نورونیده
کنایه و طعنه
پوست قاف
شپیرک چرمی
شرم وحیا
جویچه آبیاری
کف زمین دریا
علاقه جنسی حیوان
نال وگریه
پرنده آبی زرد رنگ
درخت کوهی
کیسه دباغی شده
شاخه شاخه
کیسه دراز پول
لبه تیز ظرف
بغل ایستاد شدن
تسمه زین اسپ
بلندنمودن گوش حیوان
بیتابی از پر خوری زیاد
باغیرت و باننگ
با اطمینان و فارغ البال
پندیده گی
خواب آلود

اپلتری
اجورغه
ارغلی
اله سو
آیه دگ
الیله
ایلگینگ
ایبیرشیبیر
اوروغچر
آوخه نه
آی ریغ
آنجه له
انغیر
ایرغای
آمبو
آچه لی
امپو
ایرماغ
ایل کامرو
اخته سو
اوج
ایلدره
ایرکه تو
اوماق بله
امس
اورگیله

دري هزاره گی حرف «ب»

پرحرفی
پدرکلان
کوتاه قد و فربه
آش همراه روغن
طفل سر زبان
فواره آب
برگ و ورق
چشمه بغل کوه
سختی
دفعتا
گوساله نر
گیاهی کوهی
نی قلم
قطار علف دروشده
کلوله لشم
قدو قامت
گذاشتن
عقاب
بد قواره و بیبک

بیت بیت
باکول
بورمه غای
بلوماق
بت بوهد
بول بولاق
بلگگ
بولاق
بای له
بایله پولوم
بورپو
برغس
برغنه
باریم
بوغانه
بییه
بیل
بورگوج
بی قاش قو

سطحی	بلای لو	ولخرج و بی احتیاط	بی ایف
دانه دمبل زیربغل	بیل چیرغه	بستره پیچ	بوغ بن
بچه خاله	بوله	شفاف، صاف ولشم	بولول
پراکنده شدن جمعیت	بوته را	گور کردن	بوغوجی
خجور خمیر با روغن	بوسراق	اخذ کن و بگیر	بیس ته نو
تفاله چربی حیوانی	بورداغ	نهال خار دار	بورغوسو
صدای بلند خشن	بوغ	تحفه عروسی	بوخچه
درخشندگی خفیف	بل بلک	علف هرزه کوهی	بوته رنگو
خراب کردن	بیروکدو	گوشه چیزی	باغل لو
بالا	بول لو	حراف و پرگوی	بیله سی
بالایش	به لی شی	تهدیدو سرزنش	بی خای بی خای
ناف حیوان	بولداق	مصرف پول	بورشاو
لحاف کلان	بغ بند	بیانید	بید
بیاور	بایرو	مرد و زن بدکاره	بدگشت
اطفال خورد سال	بچکی چا	پسر و بچه	باچه
برادران	بیرارو	بدجنس و بدذات	بدرگ
دعای مریضی	بی سمیل	برآمدن	بور
قهرشدن و تهدید	بربوزگ	بد قواره	بدسامبل
عجله در کار	بروفله	آذان مرغ	بنگ
قهرشدن و تهدید	بربوزگ	اعانه و کمک	باسمه نی
عجله در کار	بروفله	ثروتمند	بیانگ
کسی را پیش کرده	بروف کده	یکدسته	باوچه
ژولیده و نامنظم	باژبرق	بوم	بایه قوش
نمیدانم	به چوم	تنبل و بیکاره	بی کمر
برای تو	بلدی شی	کری پای	بوربی
فشار بدهید	بی شیلیپد	احتیاط	بولغه
قهر ساختن	بوغوس دلجی	کامل	بوتموم
ناگهان برخاستن، بی احتیاطی	بربغله	بجنبان	بولگن
کلوله و گرد	بوغوندگ	بجنبان	بوج بنو
بگذار	بیل	خواب شوید	بوفتو
پدرکلان	به کله	شب گذشته	بی گاینه
ذره چشم	بریلی چشم	بیگانه	بی گنه
گاو نر	بوغه	طرفداری	برگیرله
چهره خشمگین	بوکره	بوی کردن	بوی چی له
پراکنده ساختن	بوترادلجی	رشدکردن	بری کدو
گذشتاندن	بورلجی	قطع کردن	بیریدو
مریضی از ترس پیدا شده	بوغمه	جوشیدن مایعات	بل به لک
تار پشمی برای گلم	بافه	بار بندی کالا	برسیله
مادر حال جن و دیو	برزنگی	کوهان شتر	بوکو
دستکش گندم درو	بی لای	بستن بند آب	بوگ
موی سر نا منظم	بژغل	بهاری	بارنه
یک توته زمین برای		بالائی	بورنه
کشت دهقان	بوگری	حمله کردن	برغوله
چادر خالخالی سرخادر	بوکه ره	فربه ساختن گوسفند	بورداقی
تپه و بلندی	بوغوندی	شهباز و عقاب	بورگود
خرج بدون سنجش	باله بورود	چشمه کنارکوه	بولاق
لفاظی و زبان بازی	بازته لش	استطاعت و توان	بولقیه

پی لو	مطابق و برابر
پورته غو	از نظر انداخته شده
پخ تگ	قدکوتاه
پی چول	ریسمان ضخیم
پولدو	پندیده
په ته کای	شال و پتو
پیش لو	پیشرو
پیروغو	تکه پیراهن
پوگ	خودخواه
پولاسی	لکنت زبان
پورده	ملامت
پش پوش کدو	تنفس کردن
پول غو	عوضی کارکردن
پول غو	چوب دستک بام
پات	ران انسان
پت	سخت زدن
په ته که	تهدیدکردن
په تگ	گلیم کهنه
پوخن کدو	خورخوردن
په سگده	کم جرأت و ترسو
پاجه ده دو	پختن کوزه
پی چه نگ	نفس سوختگی
پای جومه	تنبان
پارقود	فرسوده و غمگین
پانیداشدو	عبرت گرفتن
پالی	گیاه کوهی
پاله وو	پهلوان
پام	هموار و پهن
پی له	شیر حیوان نوزائیده
پی له	ظرف چوبی
پوشتی پول	سقف خانه
پاره دلجی	تقسیم کردن
په ته لیز	پیوند زدن تارگلیم
پی چی لگ	درهم و برهم
پگ شی	تماماً
په تل	کثیف
پای افته دو	فهمیدن
پوری	آخرماه
پوپوگ	هدهد و شانه سرک
پوشومای	پشیمان و نادم
پته هی	قطعه زمین
په خه سه	دیوار گلی
پرپل ده	تلاش و تپیدن
پی ته	آخرین محل شرط
پینه لوم	بهتان
پیغوله	گوشه و انزوا
پی چی	شکستن

مخفی کردن	بوخه چی
نبات خوردنی	بی جین دگ
حیوان چار پای	بوده
زن سادات	بی بی
آبکش کردن کالا	بولغو دلجی
زورمند	به قور
آماسیدن از مریضی	بوغوز
خزنده زهردار	بوی
زن برادر	بیکه
دگمه	بوچی
لگن خاصره	بوکه
سرتپه	به لی بند
صدقه توشوم	بلای بورتوشوم
برویم	بوری
گیاه طبی	بزباش
زشت کار	بابونه
پرنده شکاری	باشه

هزاره گی حرف «پ»

دری	پیش قیل	فضله گوسفند
	پیش پو	بازی زنانه
	پیناو	جای آفتابی
	په لاس	گلیم
	پورموشت کدو	فراموش کردن
	په غج	کم ارتفاع
	پامی	تپه هموار
	پگ	تماماً
	پی تاوه	تکه پای پیچ
	پیت کور	کاملاً کور
	پی شی گگ	زکام
	پیش پی تاو	پیراهن بره کی
	پیندی کدو	خود را جمع کردن
	په روفتو	مغرور
	پش پول	چیزی کم وزن و سبک
	پس قد	در این اواخر
	پاشوم	پشم
	پی رو	پیراهن
	پارو	راش بیل، برفپاک
	پی خگده	خلق تنگی
	پوچی	بی حیائی، بیشرمی
	پوچی	چیدن گیاه هرزه
	پی یاوه	شوربای روغن با آب
	پی خیل	فضله مرغ
	پی بورده	دانستن
	پی روود	مثل و مانند
	پیخ پوت	گریستن
	پورته کو	پرتاب کن

تامبو	تنبان
تای قچیق	زیر بغل
توردگوئی	راست و روک گفتن
تونوک	نازک
تونی	ستون چوبی
توندی گرفتو	چوندی گرفتن
تر تغله	پالیدن چشم پت
تافتی	لحاف بالای تنور
تا کور	ختنه ناشده
تاله کدو	چور و چپاول
تلاتوف	عجله و سراسیمه
تله واس	ذوق و میل
تات	لانه جانوران
تات	کاکا
تخشیش	سنجیش
توغل	برف باری
تای بخشی	غذای پس مانده
توشه	پیش راندن چیزی
تگ	خالی کردن
تایلو	پایین
تاوسارونه	عجالتاً
تامو	خلاص شدن
توکشیله	نفس سوخته
تاله	چمن
توبچی	دگمه کرتی
تیاغله	گردش با عصا چوب
توگل	تخمین
توش کدو	فرمان دادن
تلیپستو	خواستن
تر تغله	پالیدن در تاریکی
تیر مویتاو	قرض گرفتن جنسی
تا ته له	وارخطا بر خاستن
تاختو	اسپ دواندن
تیچی	لباس دوختن
تیکی	کلچه روغنی
تاشه شدو	نهان شدن
تورجی	پناه جستن
تیم تله	بادست پالیدن
توماو	زکام
تیکی گگ	عینک زانو
تاو له یک	ساعد و بازو
تارمه شه	تریخچه چوب
ایسره	تا هنوز
تابوخ	بچشم مالیدن
تکرای	تندرست
ته گیو	دره سبز پائینی
ته که	بز نر

بود دلجی	کندن پر و بال
پوله	سرنگون
پودده	نازک و کم مقاومت
پی رای مو	فراوان و زیاد
پوستیل	پوست کاه پور شده
پخسیدو	تپیدن
پی تای	گول زدن
پیش مو	نادم و پیشیمان
پیچی لخشانی	اخلاصکاری
پنده کی	پشتاره
پاش تای	تنبل و بیکاره
پشت پشت	آهسته راه رفتن
پای کل	قبرستان
پوتور	کل و سرتاس
پی بنه	اندازه
پاده	درخت کنار دریا
پورج	پف کردن آب
پولدولجی	آماس کردن
پنددلجی	انتیپاه گرفتن

هزاره گی حرف «ت»

تناوو	دری	ریسمان و تناب
تپگ		سرگین حیوانی
تای له غه		لگد مال
ته سه ره		بیهوشی از گریه زیاد
تامخره		مسخره کردن
ته یغ		چوب دستی
توشدلجی		تحریک و امر کردن
توتوگ		آفتابه گلی
تیرین جه		محکم و پور
تول وته بر		قوم و طایفه
تز غه نه		قرعه و طالع
تی به نه		جوالدوز
تاشه دلجی		پنهان کردن
توخ کو		نگاه کن
تولغه دلجی		تکیه کردن
تغانی		ماما
توله غه		فرق سر
تونجی دلجی		خشک کردن
توره		گپ زدن
توغری		مستقیم و راست
تتالواج		قاصد راستگو
تخ تخسو		چقور و عمیق
تولای		خرگوش
تیلگو		تیله کردن
تای جوری		حمایه
تودرس		مستقیم

تیاقکشاله	مهماندارى زياد
تيلتيل	آهسته مشك زدن
تورگو	سرا شيبى تند
تى ته ره	پاره كردن شكم حيوان
توت قرى	روى راست
تلت	چهره و صورت
تارغيل	آدم سياه چهره
توگ تو نوگ	خجالتى
تانداى	قد كوتاه
تيت گرى	خيز برداشتن
تول دو	شاخ ميانخالى كه پف ميشود
تى قپ خور	ليسیدن زيركاسه
توغول	نوگ دم اسپ و گاو
تپ چى	حوصله و مقاومت
تى غولى	پوست رنگ كرده گاو

دري هزاره گى حرف «ج»

جو غول	نرم كردن خوشه گندم
جور	كف دست تا آرنج
جى يه	خواهر زاده
جاغه	گريبان و يخن
جى له	حيوانات را پيش كردن
جور مه له	سوختاندن موى
جاگه	خوابگاه و تخت خواب
جلدگ	تيز و چالاک
جونگاي	جوجه شتر
جلگ	چالاک و تيز
جیرگه	دلآورى
جوله گمک	هوشيار و زيرک
جه غه	لبه زمين زراعتى
جه غه ده	کناره گيرى
جوب	برابر و پيوند
جیرگه تو	باحوصله
جوب غو	به اندازه ضرورت
جیب غو	تکه جیب كرتى
جیب جه گه	جابجا كردن
جيزى	كم حرف
جرجيست	قواره و قيافه
جيره سى	طفل گريانوك
جولگ	ژندهپوش
جول	لحاف پور پينه
جونه گاو	گاو نر جوان
جغول ده	لگد مال كردن
جيبگير	حلقه كلى بند
جم خيو	لحاف
جه رد	خونابه زخم
جوركه	همت

تال	چوب تر و باريك
تامتيگ	خودخواه
ته راغ	فرق سر
توغاى	آرنج
توكشى	تنفس شديد
توكه	تكان داددن
بيگار	توشى
تاولى	تقليد صحبت
تيم چه له	رسیدن به چيزى
تپ شى	خميردانى چوبى
تاوول	تسليم دادن
تود تود	سخن بيهوده
تغمه	حصه و پارچه
تى چو	هوشيار و فعال
تربور	شاخه درخت
تل غاق	توفان
تى پائى	فرش گلیم
تولجى	هلاک كردن
توقچى	كمكارى
توشلجى	توظيف كردن
توختلجى	مقاومت كردن
تيرو	تخريب شده
تورلجى	توردادن
تافه	تخم و روغن
تامولجى	تمام كردن
تورجى دلجى	پناه جستن
تراز	جويچه
تبرغو	حيوان خرگوش مانند
تلخو	تلخان
تولكه	چوچه خرמוש
تول تولگ	اجماع مردم
تقل پقل	دروغگوئى
تقله	دروغ گفتن
تل پل	ريكارى
مه غاو	سرما خوردگى
تى به شى	كاسه چوبى
تل مه تگ	معطلى
تقيم	زير ران
ته پر پلى	گلوله
تيمه جى	پناه بردن
ته ريز	بر به بر دوختن كاللا
توخته	مقاومت
تى رى لو	رنگ گاو مايل به سبزى
تختى	پرنده خاكى رنگ
توخشى	رو در رو
توگ	چمن دانه دار و قد كوتاه
تاوره	پنديدگى كف پاى

هزاره گی حرف «چ»

دری	تنبلی و عاطل
گریان دادن	دوغ و ماست
خورد و کوچک	بخیل و حسود
تند باد و برف	بلند
تاجر حیوانات	تار بسته کننده یخن
بزور داخل کردن به چیزی	مجرد و تنها
بز ماده جوان	تنبلی و بیکاره
ظرف کم عمق	زحمت و رنجکشی
نان چکیده در تنور	گوشت حیوان لاغر
جاسوس	گیاه روی آب
بوت چوبی دهقانی بالای برف	پیوند داده چیزی
بوت از پوست خام حیوانی	تصادم و برابر آمدن چند
سینه	چیز باهم
هوای ابری و تیره	لجام اسپ
چاق و فربه	مهارت و زرنگی
پاره و دریده	حرکت تند قلب
اندازه و مقیاس	پیازه و بوته تربوزه و کدو
آلوده و کثیف	ریشه و بیخ چیزی
دروغگوی و زبان باز	مالیات دولتی
پندیدن شکم	خسیس و ممسک
تار و نخ	اسپ سرخ رنگ مایل به سیاهی جی رو
رسیمان پوست حیوانی	نوعی نی باریک و نازک
سیلی و تپانچه	سال شمسی حیوانی
شکست خورده	دام تله و بند
خمیده و کج شده	دلدلزار
فرصت یافتن	و اداری کردن بکاری
سوراخ و روزنه	انجام دادنکاری
چوپان	فراوانی
فکر و اندیشه	شاخچه
چرتی و فکری	جادو
باهوش و زیرک	آشتی دادن و برابر هم وزن
زدی کردن	شوخی
شقیقه	طفل نوزاد
چکگ	درخشندگی
هیزم جمع کردن	روده دراز
سرگین حیوانی	تسمه کمر بند اسپ
گوش گرفتن	عجز و توبه
فکر کردن	بوته خاکی رنگ کوهی
ظرف کم عمق	تهدید و چشم کشیدن
تنبلی و عاطل	چسپیدن ظرف
لفاظ و دروغ گو	
سست و بی حال	
چاشت	
چاق و فربه	
لفاظی و پور حرفی	
کف زدن	
خرچنگ	

چاوققی	تنور
چو بری	لشم کرده برآمد
چور چورک	لرزش آب و خم خم شدن
چبو چبو	رازیکه حفظش مشکل باشد
چلق چلق	صدای مشکوله و باران
چل چه لگ	چال بازی
چوش دلجی	آب خوردن و جذب رطوبت
چمبل تو	با زور و قدرت و چنگالدار
چینه	قدرت و زور
چوچله	چوب دراز
چیر	راه رو میان برف
چیر چی	پاشیدن علف
چغولگ	سخن چین
چی جیگیر	سینه بغل
چولگ	سبد کوچک
چرش قالی	کنده درخت چند شاخه دار
چیسه که	غذای هوسانه
چم کدو	صرفه جوئی و گذاره کردن
چشن چی	کارتوس و پتاقی
چوب چی	خراشیدگی
چاو کلی	گردن بند و زیور زنانه
چیل تار	لونگی

دري هزاره گی حرف «خ»

خانۀ گلی که اطفال میسازند	خو کوته لی
زنها و همسرها	خاتو نو
تخم مرغ	خای گینه
حرکت نشسته اطفال	خه زگ
گپ ناشنو و تنبل	خه میشت
چوب نهال تازه و زن لاغر اندام خیم چه	چوب نهال تازه و زن لاغر اندام خیم چه
نان پخته شده در تابه آهنی	خه له وگ
خاک آلود و عذر و زاری	خم په لگ
گدام گندم	خورفه
مخلوط و یکجا شده	خلیل
غذای عاجل از مواد و مختلف	خل پخ لی
آبیاری اول سال زمین زراعتی	خا کیو
خروس و مرغ ماکیان	خورو
خسگ	خه من دوگ
کم عقل و کودن	خوندو
چپه شدن و افتیدن	خه تا شدو
لجاجت	خی رگ
مرغها	خورو گو
سخن چین	خبر گوی
مریض عصبی و میرگی دار	خل پل تو
نامزد دار	خوسته تو
مرغ تخم دار	خای گینه تو
خارشت	خه ریشت

چولجی	پوست کردن
چم	گنجایش و قدرت
چی نه	قدرت و توان
چوناس	چطور و ناله
چیغ لا	گوش کردن
چیمکه	ساق دست و پا
چوگ	خم شدن
چولدی	خورد قیافه و کوچک
چیرککله	سوزش و خله زدن زخم
چیرغگ	جرقه آتش
چین گگ	پرتاب سنگ با دو انگشت
چینگ	سخت و محکم
چيله وو	لک لک
چدله	غریبال گندم
چه لوس	نیرنگباز
چاوچلی	پرنده کنار آب
چل شدو	باهم در آویختن و جنگ کردن
چه پیو	غارت کردن
چل کردو	شریک کردن خود در کاری
چی بی	گودال و جال
چوقای	بسیار خورد
چورپه	جوجه کبک
چسپو	فعال و ذکی
چیلو قینجی	اداره کرده
چیق چه رو	آواز خوانی
چیر چيله	غالمغال
چم بول	خمیده و کج
چاموک	قاشق و چمچه کلان
چی نه ده	زور آزمائی
چینه تیش کدو	بافشار در دست گرفتن
چپ تور	کردن و آله تیشه مانند
چر چی	چهارکنج و چهار گوشه
چر چه	ماندگی و خستگی پای
چیم چرغه	پالخان ابلق بافته تارپشمی
چوبجوش	کلوله آرد و روغن
چورغید	فشرده و خورد شدن
چم چری	رفتار کبک
چم چیکی	پرنده خورد رنگ سبز
چی بیل	شخص بزرگ و هوشیار
چو چه له	زائیدن سگ و پشک
چاد	ظرف کم عمق
چم چه که مو	چوچه نوزاد بچه
چه قول	چیزی خورد و کوچک
چه گر	شخص دلسوز
چه گانه	قرضداری کم
چم بر	حلقه تکیه زیر دیگ
چپرگ	درز کوه

سست و آهسته کاری وتال دادن دبل مله
چادر جالیدار زنانه دولاق
دهلیز دالو
شرینیگگ دشله مه
مشاجرہ و غالمغال دنکه له
آدم افشا کننده راز دوپه ره
دویدن جوانان دوره میخ

دري هزاره گی حرف «ر»

روشن و آشکارا روش
ترتیب و تنظیم سمت و اطراف روود
ریسمان ریسپو
روشن و جلا دار روشو
افغانی و روپیه روپی
جلا و روشنی روشق
روغن روغو
زود زود راو راو
روغن دار روغو تو
ریسمان دار ریسپو تو
منظم و با ترتیب روود تو
شعر باوزن و قافیه رفت تو
پله زینه رفک
دوانیدن روفندو
نان نازک تابه ای رفیده
صاحب رسوخ روی تو
کناره و چپ کردن از چیزی ریو
کنار کشیدن ریو دلجی
کنار زدن کسی ریولجی
کاشتن حبوبات راندو
روزنه روزه ننگ
فرستادن و اعزام کردن ره ئی کدو
دروغگو و ریاکار روی سیاه
فکر پریشان و مضطرب رغیس
واژگون و نگون سار روی چگو
چیرک و چتلی ریم
ریسیدن پشم ریشتلجی
چرکین ریم تو

دهقانی
مردمگ چشم
مخلوطی از کاه و ریشقه
دیگ کوچک
سر بخود و هوسانه
موی گره خورده
رسوب روغن
قد کوتاه
مسخره
غمگین و متاثر
موجود خیالی و جن
متقلب و محیل
دوگانگی
آستر کرتی و جنپر
فرار کردن و گریختن
تکیه کردن
غایب شدن و از کوتل گذشتن
تنبوازار بافندگی
دیوار
توان و قدرت من
چمن زار
گوشت زیر گلی گاو و مرغ
دوتار
ریاکار
نزدیکش و قریب او
رکاب زین اسپ
استخوان شانه
آسوده زندگی کردن
تفریح و توقف دادن
سطح مرتفع
دخترها را
غایب شدند در عقب کوه
چیزی آویزان شده
سربند آب
تجمع گروهی مردم
صدا دادن
پاپوش تکه ای روی فرش
پنیدن و آماس شکم
گریز پائی و فرار کردن
دویدن
هرزه و ولگرد
بجل بازی دو دانه ئی
چیزی را با چیز دیگر وصل کند دنته
حیوان خود مرده و مردار شده دم بوشته
اسپ نازا و مجرد داغو
گندم للمی دای مه
پختن خوشه گندم دبل مول

هزاره گی حرف «ز»

دری

اولادها	زاو زدا	با هیبت و خوفناک	سامو تو
مزه تیز و غذای تند	زوم	بزرگ نمائی کردن	سامو تو له
خسیس و پول دوست	زون چه	شیرینی و تحفه خبر خوش	سی بیت
کم گپ و ترش رو	زه موخت	شیرینی خورنده خبر خوش	سی بیت خورله
ترشح کردن	زا کدو	سقط جنین کردن	سی وا کد
قهر آلود و جنگره	زفت	خود را از گاز آویزان کردن	سل چغ
یاد کردن و فرا گرفتن	زفت کدو	پافشاری و شلگی کردن	سو چی مله
زیاد	زدگاه	عصبی و جندی	سایه تو
زنی که وضع حمل داشته باشد	زاچه	شرمنده و خجل	سر چور
خانم خانه	زو بستو	طفل حرف ناشنو	سر چوگ
عاطفه و رحم	زار	حرف ناشنوی و بی گفتی	سر چوگله
عکک و زاغ	زغچی	بوت سر پائی	سر کاو شگ
کلند و کلنگ	زاغنون	سر چمندی	سر تاله
هوشیار و زیرک	زیر بلگ	سبز و خرم	ساووز
زور زدن و زور آزمائی	زورگ ده	خوف و ترس	سام
دریغ نکردن	زی له	قیافه و چهره	سر سامبل
پرنده زرد رنگ کوچک	زردگ قلبه ای	پاره شدن	سی تره شدو
پر کردن	زیچ کدو	پاره کردن	سی تره دلجی
تند خوی	زا بیت	زیاد خواهی و لجاجت	سی رم له
موضوع عاجل و فوری	زابیته	زیاده خواهی کردن	سی رم کدو
دانه بوته کنار چمن	زیل بگ	بیحال شدن از اثر گرسنگی و تشنگی	سوله چی
زائیدن	زی دو	بیحال کردن از گرسنگی	سوله چی دلجی
خسته و مانده	زیل له	خسگ	سورخگ
کج خلقی	زموختله	روغن صاف و پاک	سوجی
ممسیکی و زیرکی	زونچه له	قبرستان	سرخ
		آب خیزی	سرخ اوی

هزاره گی حرف «س»

دری

آبگین سست و نرم	سوله	دانه های سرخ زیر جلد انسان و حیوان سرخ بوده	سور بور
حرام زاده	سوله	رنگ خاکستری	سر ده دو
دراز کشیدن و دراز شدن	سونجی	رها کردن	سنگ اوبه کدو
فضله حیوان و سرگین	سر گی	سنگسار کردن	سه مو گوفت
خریطه پوست حیوانی	سه ناج	چه گفت	سر قوش
کندن و خلاص کردن گره	سور چی	سر کرده و رییس قوم	مغلوب کردن حریف در گوشتی سر سوجی
چیزی محکم و سخت	سین گیرک	پرتاب کردن سنگ در هدف	سنگ سول
جدا کردن	سیوا دلجی	صبحانه	سبای نه
تهدید کردن	سه مانه کدو	گوسفند جوان ماده	سو بای
خلاص و تمام کردن کاری	سا مو دلجی	استخوان سورین انسان	سو جی
کجاوه	سه بد	میخک روی پوست بدن	سول
چمچه و قاشق کلان	سرماق	سوراخ هوا کش تنور	سوف
منجمد و سخت شدن برف	سرجه	پوست خشکیده روی زخم	سغره له
در اول سال		تربیه و پروریش دادن	سب یات
سوزن	سی زو	گاز اطفالکه به درخت	
شکستاندن ظرف	سگسگ دلجی	آویزان می شود	سال
ابزار آهنی برای قلبه	سو غمه	اسپ سرخ رنگ و جرار	سمند
خود را آویزان کردن	سلچه غگدلجی	مار چوبه گیاه ضد زهر	سمندیو
لنگر خود را بالای کسی انداختن	سل چه غگله	غم خواری و دلجوئی	سی یاتی

هزاره گی حرف «ش»

شومگ	بد اخلاق و دعوا جلاب
شو مگله	بد اخلاقی
شیل پید	فشار داد
شیل پیلجی	فشار دادن تحت فشار گرفتن
شیل پی دلجی	زیر فشار قرار دادن
شیر غه	رنگ شیر چائی
شه لیته	زن بد کاره و بی حیا
شیرک له	با جرأت شدن
شیرک دلجی	با جرأت کردن
شقب له	با جرأتی و مستی
شخشول	آدم بی ترس، مست و غالمغالی
شخشوله	غالمغال و بی نظمی کردن
	ظرفیکه از نهال باریک
شو گور	باقته شده باشد
	تکمه پیراهن
شی رگ	ریختن غذا از ظرفی به
شیپ تور	ظرف دیگر
شیب به	باعجله و زود
شسیب به له	عجله کردن
شسیب به دلجی	با سرعت انجام دادن
شو لوک	کرم های دراز
شو لوک تو	دارای کرم های دراز
شخ بن	لگام و افسار حیوان
شیر	ماست
شک لگ	شف دستار و لونگی
شیفیت	وصل و چسپیده و نزدیک
شیفتگله	نزدیک شدن
شیفت دلجی	نزدیک کردن
شیوه لیو	دل تسلائی
شیوه لیو دلجی	تسلی دادن
شی مه لی	جمع و جور و آماده کردن
شورلجی	هجوم و حمله کردن
شور	حمله و هجوم
شیو	تخلیه و خالی
شیو دلجی	تخلیه و خالی کردن
شو بد له	افراط و زیاده روی در کاری
شی غای	بوجول
شوته	نان ریزه شده شوربا
	به نوبت شب گذرانیدن
شاو بشگ	در چندین خانه
	چرک و کثافت ضخیم
شندقله	پوست بدن
شول	با جرأت و دلیر
شولگده	دلیری
شپ شپ	آواز و صدای پای و گام انسان
شپاس الجی	صدای پای را نشان دادن

سوغی له	حرص و آز داشتن برای گرفتن و خوردن
سوغ	گرسنه چشم
سوغ دلجی	گرسنه چشم ساختن
سیرلجی	سیر کردن شکم کسی را
سیرغو	خوردن غذای کافی
سورو لا	گریه دسته جمعی
سبورسر	پارچه و پاره کردن
سوبه	سبزه نورسته
سه رپ چيله	سرپرستی
سو چی	پاشیدن گندم و آرد
سه به	شاخچه که پشم را با آن میکوبد
سون شی	طرف او و جانب او
سی چر غو	کاسنی
سی بور گه	استخوان نرم سینه
سیگ	مل نسل گیری حیوانات
سر پی چه	بدون سر پرست
ساکو	تخت
سر خاک خور	یتیم شده و بی سر پرست
سود ری	شبنم
سپی او	دوغیکه در آن آب بیاندازند
سپیدی	لبنیات
سر غوج	موی بند کلان زنانه
سر قوش	دهن و سر آستین زنانه
سو چی	زنی که نو وضع حمل گرفته باشد
سه له مه	جلوه دادن و خود نمائی
سی چر غو	کاسنی
سوره سو	گیاه گندنه مانند
سر سو قار	پرنده شکاری خاکی رنگ
سر خای	سرزنش - تنبه و نکوهش
	چیزهای را پایه دار و
سل چه	محکم چیدن
سودنگ	از پای لنگیدن
سوجی	صاف و پاک کردن شیر
سل چق	خود را به چیزی آویزان کردن
سوزنی	طفل شوخ چشم و بد آموز
ساغیج	ساجیق شیره تنه درختان
	و گیا هان
سی چی مگ	ماده چسپناک
سپی لو	رنگ مایل به سفیدی
سر خنکده	جمع شدن آب در کنج چشم
سرخ لوک	زمین یخ زده و یخ روی آب
سر به ری	بار اضافی که بالای بار
	بزرگ مانده شود

چوب زدن
سنگر و قلعه در قله بلندی کوه
چیز دلچسپ و تأثیر ناک
کریم شب تاب و حشره
که در شب میدرخشد
تعیین شرط در نشان زدن تفنگ

دري هزاره گی حرف «ص»

شیر حیوانی و چیزی پاک
طعنه، منت و سرزنش
صاف
صد که له

دري هزاره گی حرف «غ»

ماده گاو نو جوان
آب گل آلود و کثیف
کثیف کردن آب
قصد گل آلود نمودن آب
شور و غوغا و غالمغال
آدم زیاد چاق و فربه
جوال بزرگ گندم
طفل شکم کلان
و جوال خورد گندم
صدای آروغ
فرو رفتگی عمیق
علف کوهی حیوانات
وادی بین دو قریه و
مابین هر چیز
بی فرهنگ، بی ادب و وحشی
وحشی ساختن
بی ادب و وحشی شدن
صدا و گریه کردن
عوعو سگ
غالمغال، زبان بازی
با صدای بلند
قهر شدن بالای کسی
حلقه زنجیر
حلقه کوچک زنجیر
غلام وحشی
آهن ذوب شده
بزور نوشتن کسی را
بزور چیزی را نوشتن
فسخ قرار داد
عهدشکنی
قهر کننده و غالمغالی
قهر و عصبانیت
قهر ساختن
از عقده نزدیک به گریه
و اداری به گریه ساختن
گونه جی
غه تول
غتلدلی
غه تول
غل غل
غه پسی
غو نج
غو نجگ
غه زس
غه ووج
غی غو
غول
غول
غولدلی
غوللی شدو
غل غلجی
غغ
غه غگده
غه پگده
غور غی
غور غی نگ
غولی
غوله
غر غلجی
غر غله کدو
غش
غشلجی
غوره سی
غورس
غورسلجی
غوره ده
غوره ده دلجی

زینه
ریگ میده
بوم - بوف و جغد
چین خوردگی در هر چیز
آهسته صحبت کردن
صحبت آهسته
آوازه کردن
زن بد گذاره
بد اخلاقی کردن زن
خمیر کردن
ناخن پای انسان و حیوان
را کشیدن
توصیف زیاد و تملق کردن
رطوبت و نم لباس را
خشک کردن
خشک نمودن نم لباس
پاک کردن کاسه و ظرف
رشوت خور
شروع وادی و دره
شبانه و برای شبانه
دندان اضافی
کاسه گلین
بد شگون و بدفال
زن نازا که اولاد نکند
صاحب خانه و ملک
چار شاخ خرمن باد کننده
معامله مخفی و دسیسه سازی
تخم زدن و شدید زمین
چسپیدن دندانها و چسپیدن
چیزی با همدیگر
خودکشی و انتحار
فشار دادن چیزی
آله فشار
گیاهی خوردنی پالک مانند
شیری بوریده و برف یخ زده
کنج و کنار چادر و دیگر چیزها
شونق
سوغاتی عروس و
خانواده مسافر
استخوان پهلوی و قبرغه انسان
بند تنبان و بند زیر جامه
سخت کردن معده حیوانات
سخت شدن معده انسان و حیوان
شیغه شدو
تقسیم کردن گوشت
گاوو گوسفند
گره محکم تار
چشم باز حیوان مرده
راست و عمودی و بانوک
شاتو
شی گت
شور شومبو
شور کش
شوگ کس
شوگ شوگ
شک شوکلجی
شورتی
شورتی له
شیر ختو
شنگک له
شفتگ له
شیخ پلجی
شیخ په
شیف تور
شی کام
شین په
شاونه
شقه
شه نگ
شنتوری
شنده
شه ریک
شاخی
شر میش کنگ
شر ننگ
شی نه گه
شیب قلجی
شیل پل جی
شیل پل غو
شوره کی
شیرجه
شونق
شی نگ
شه رینگ
شول بند
شیغل جی
شیرغه شدو
شلولغه
شین گه
شاهو گگ

درهم و برهم کردن
 برهم زدن
 چرک روی پوست بدن انسان
 ابرو و بالای چشم و پیشانی
 تراش کردن
 دوشیدن گاو و گوسفند
 یک جا و مخلوط کردن
 بدخوی و درنده
 بلست و وجب
 خشک و قاق
 سگ ماده
 لاغر اندام و چالاک
 درشت تند و بی‌نظم
 ناز کردن اطفال
 پراکنده شده
 گوسفند نر و قوی
 شکم را پر باد کردن و
 آروغ زدن
 قهر و خشم
 قهر شدن
 قهر ساختن
 خلاص و تمام
 ختم کردن
 کم حوصیله
 بی حوصیله کردن
 بی حوصیله
 همه و تماما
 راست می‌گوئی؟
 پیشانی
 کم طالع و بد شانس
 غالمغالی
 به هم چسپیده
 چرک و کثیف
 بد خلقی و بد رفتاری
 زیاد سرفه کردن اطفال
 کسیکه زیاد سرفه میکند
 غالمغالی
 غالمغال کردن
 گران فروش و فریبکار
 شرمنده و ملامت
 ماده گاو نازا
 شیطننت و تملق و کرشمه
 محکم بستن موری دود رو
 تار پشمی دبل
 شقه کردن انسان از بین دو پا
 صدازدن و افشا کردن
 بلند صدا کردن
 قول قیسردلجی
 قول قیسرله
 قی تیریش
 قاش
 قی شیله
 قه تی
 قه تی دلجی
 قه رم
 قه ریش
 قاقروق
 فن چیغ
 قین ترک
 قور غول
 قوتوله
 قول بول
 قوچار
 قی گگ
 قیرد
 قیره تس
 قیرد دلجی
 قوئی
 قوی دلجی
 قورطی
 قورط دلجی
 قوره طس
 قه ره
 قه ره
 قه لم
 قل لاش
 قر ره سی
 قیفت
 فورگده
 قورخ چپله
 قو خگده
 قوخی
 قاوشاد
 قاوشاد له
 قل فگ
 قونرغو
 قیس رو
 قه جی مله
 قوب چی
 قوج بن
 قی چق
 قیغ
 قیغسله

چاق و فربه
 دره عمیق
 آدم قد کوتاه و شکم کلان
 که به سختی راه برود
 غالمغالی
 از حد زیاد
 دیگ کلان مسی
 شوره و نمک زار
 بیزاری و دلسردی
 آهوی کلان
 وسط و میانه
 غلط و اشتباه
 برهم زدن و پراگندگی
 سپیده صبح
 وسط ستون فقرات
 با حوصیله و با پشت کار
 پت ران
 گیاه خاردار و بوته خاردار
 جنگ و پرخاش
 قنداقه اطفال
 غالمغال
 وقت و زمان
 تهدید کردن
 شخص فربه و قد کوتاه
 توب پشمی
 غورسی
 غه و جنو
 غونجگده
 غه غی
 غه در
 غز غو
 غو جور
 غوله جی
 غولجه
 غوله نه
 غل
 غته غول
 غیر بنگ
 غول
 غه بیش
 غویه
 غوزبه
 غل لو
 غوندگ
 غز غولا
 غه دل
 غر غور
 غوده
 غات

هزاره گی حرف «ق»

دری
 انگشتا نه
 آدم قد کوتاه و کلوله
 همراه تو
 سر پائینی
 سر بالائی
 رفتن پدر و مادر عروس و
 داماد بخانه یکدیگر
 پدر و یا مادر عروس
 دزد و فراری
 پالیدن و جستجو کردن
 غالمغالی
 منت کردن و ملامت نمودن
 زیر بغل
 خراشیدگی پوست بدن
 شکم
 غالمغال
 یکجا و مخلوط کردن
 ظرف طعام خوری
 ران پای انسان
 بار عقب زین اسپ
 قروچی
 قوندای
 قد از تو
 قل چپو
 قل به له
 قوده غو
 قوده
 قوله غی
 قود قله
 قینه سی
 قی نه جی
 تای قه چیق
 قی غه جی
 قی ته
 قاو قله
 قو تو لوغ
 قور
 قای
 قانجو غه

قاب	غلاف و پوش تفنگ	قیغه سی	آدم غالمغالی
قی غس	بلند صدا کردن	قی سر	باد گرفتن عرق انسان
قوش غه	بره آهو	قه باق	مزگان
قوته	معدده و شکم انسان	قوی	پوش سلاح جارحه
قوبه	کثیف و آلوده به لوث	قبر داغ	طوفاله چربی دمبه گوسفند
قی رینج	براق و شی جلادار	قب چی	کمین و مخفی نگاه کردن
قور قه تی	کاسه شریکی و هم کاسه	قرنگ برنگ	شلوغ و رفت و آمد زیاد
فور غول	گوش فرادادن و شخص بینظم	قیغه سگ	و بیروبار
قوشقه	حوصیله و پشتیکار	قه شی	هیاهو و صدای پر شور
قه مو	ریگ	سرپوش دود رو تنور	بز و گوسفند ابرو سفید
قیج قلجی	خنده دادن کسی با پنجه ها	قل قه نگ	سر تاس و سر بی موی
قیچ قی چگ	خندانند	قی شاخ	موری
قغه له	خشک کردن چیزی	قی له	پاره و کهنه
قاده	سنگ بزرگ	قی رو	ریزه و پارچه کردن گوشت
قادور	داس	قه نیر	حیف و افسوس
قمچی	قمچین و شلاق	قنجی کدو	قرینه سازی و مقدمه چینی
قه دی	قطعی و حتمی	قنجی دلجی	رفع تشنگی و سیراب شدن
قد	حوصیله	قنتر کدو	سیراب ساختن
قه باد	حیا و شرم	قنتر دلجی	اعتصاب غذائی
قه چر	پیشانی	قب قو	اعتصاب غذائی کردن
قاف	گیاه کنار جوی	قرجی	دام و تلک کلان
	پرنده لاشخور و	قد کی	نگاه اطفال
قه جبر	چاه بزرگ آبیاری	قه قی	همراه چه کسی
قه له چی	سرایت کردن	قب تورغی	چنل و کثیف
قه خی گگ	ذکام و سرما خوردگی	قاش واز	کیسه چرمی و نبات کوهی
قل غو	برگ چکری و رواش	قه ووغ	پیشانی باز
قه لخ دوو	شوخی کردن	قروم	گیاه کوهی قابل خوردن
قه لخ	ارچیق و پوست که به	قرو مساق	پوشیدن لباس ژنده و
	روی زخم میخشد	قوشه لی	مندرس زیاد
قا قور	لاغر	قوش	شخص لاو بالی و بی بند و بار
قانقرو	بسیار لاغر	قوی غه له	چیزی دو شاخه و جمع شدن
قوره لای	یتیم	قش قل	جمعیت و تجمع کردن
قپه دلجی	فشردن گلو و خفک کردن	قش قه لگده	پوست نازک بدن
قه ود	دور یخن پیراهن و کرتی	قاورای	درهم و برهم
قیغ	پاره شدن لباس	قولاج	بیر و بار و ازدحام
قخره	سرفه کردن	قروپ چی دانه	سوهان
قل مه سه	گرگ زده	قوره	درازی فاصیله بین دو دست
قان غر	گاو ابلق برنگ سیاه و سرخ	قابو دلجی	دانه وخال پشت میژه
قوله دم	پرنده شکاری	قاوده	عصبانی
	به قهر و غضب خداوند	قی غج	از نزدیک کمین کردن
قاش گیر دی	گرفتار شدن	قیغ گوسپو	پشتاره و بسته کوچک علف
قیغ	ریشمه بافته لب های نمذ	قو قو	منحنی کج و خمیده
	پرندهگردن دراز رنگ	قوشه لی	سرگین گسفنند
قو تو	سیاه و سفید	قیو	پرنده بزرگ - کرگس کلنگ
قوچنغی	ریشقه کوهی	قورولدجی	کسیکه لیش چاک باشد
قیجی آخیر	زمان و عصر آخیر		چور و غارت
قه تی چر	حسود و بخیل		به هدف برابر کردن تفنگ

کرخت	آدم ساکت و آرام
کوی	صدا و آواز
کوی دلجی	آواز کردن
کوی کو	صدا کنید
کوی بردونی	مشکوله کوچک
کوته	سگ جنگی و قوی
کوته ووری	همانند سگ
کوته له	سگ گری
کل مکمل له	بحث و گفتگو کردن
کل مکمل دلجی	مشاجره لفظی
کنگوره	دیگدان و منقل آهنی
کندود	گریخته بود
کند و دلجی	گریزان ساختن
که مای	علف تلخ کوهی
کویگ	گوسفند جوان و چاق
کاو شیره	بوت و پا پوش
کش گیرگ	جنگ و دست به یخن
کو مه تای	شخص خود خواه و مغرور
کاله	حمایه غذایی
کوجی	پندیدگی شکم
که ری	درست و منظم
کوتیو بار	پر عقده گریان کردن
کو تیو	افسوس و تاثر و تشویش
کیل	کج و نا منظم
کیل دلجی	کج ساختن
که له گی	تقلید زبان و بندیش زبان
که ری	در تکلم
کن تل	منظم
کا کی	چوب میان خالی
که بیل	کاکا
کته گیر	ظرف بزرگ خمیر
کاوره	خدمه و کنیز
کومری	شکم و سینه
کوچه	بز نو جوان
کوچه دلجی	رسیدن و دنبال کردن
کوله	گیر کردن و به هم رسیدن
کودی	کلاه
که ته	چلپاسه کلان
کور کورگ	کلان و بزرگ
کله چه	هم گوشی و مخفی
کیلس	صحبت کردن
که لو گوی	مباحثه و گفتگو
کی چیو	مارمولگ و سوسمار
	پرحرف
	نابلد و نارسا

قات قاتخندیو	خنده کردن بلند
قننه	دست کج و فلج
قونغه تو	شخص پرکار و پشت کار
قون غه	دکمه های زیر گلو
قو بار	اشتهای بعد از مریضی
قلم قه چر	سر و گونه مجروح
	گندم پخته شده که رنگ سفید بخود گیرد
قوله	سبزه و چمن زار
قی یاق	نان نازک روغنی
قتله مه	سنگ های پست و بلند
قوت قورت	دار داری
قورتی	بلند و راست استاده شدن
قر قه ره	تکه سر چوب برای جمع نشدن پرندگان
قوت قو	مخلوط کردن دو چیز
قت قو	یکجا ساختن
قت قوله دلجی	سینه بغل و سینه پهلو
قد قو	روی هم و سربیه سرچیدن اشیا
قه ند	جوال پور از گندم
قه نار	قاق و خشک شدن گندم استاده
قاوره	شکمه حیوانات
قت قتک	چاه آب و دیگر چاه ها
قودوق	خمیر چسپناک
قیر مه	تند خوی و تند مزاج
قوغچه	آفت زدگی و بلا زدگی
قوره جی	بازی جوانان با پرش سر
قوته لی	خجالت و شرمندگی
قو لی	ساجیق
قوندرو	کندوی بزرگ آرد
قورخ	آدم بی حیا و هرزه
قولخ سه	لایه میان دو چوب
قپ چیرک چیو	دختر سفید چهره
قه شی گگ	جمع آوری کردن
قم تو	انتقام جوئی
قه نیل	پیوسته آبرو
قاش قه تی	در بین کف هر دو دست
	مالیدن چیزی
قف ملگ	شخص غالمغالی
قاو شر	زیر تهدید و نغ زدن
قیش پیش	بخیل و سیاه کار
قی لگ	تشنج اعصاب و بر افروختگی
قوی پریده	ضمیمه و همراه
قو تم چی	چنگ و آله چوبی موسیقی
قو بوز	بوته ساقدار
قر غنه	

حلوای مخصوص زنان
 بلند کردن صدای ترس
 لحاف مخلوط از تکه و گلم باشد کونجوله
 آرنج
 در پهلو دراز کشیدن
 نرمی کف و روی دست
 زیاد و فراوان
 گلو و حلق
 متکبر و مغرور
 مژگان
 آروغ و آروغ زدن
 نرمی دو طرف روی انسان
 حلقه گیرد زیر کوزه که نغلطد
 پالان اسپ و مرکب
 کفتر
 همسر پیر
 تجمع مردم در یک جای
 کره خر و کره مرکب
 سگ دهن خاکی رنگ
 لخته شدن خون
 چاق و فربه
 چیزی عمیق
 شی خورد و ریزه
 کندن بغل دیوار
 کمر بند از تکه برگ
 در دادن اجاق
 طوقک و استخوان گردن
 سوراخهای ایل گوسفند
 دویدن آدم چاق
 خوشه خورد گندم
 گردن بند زنانه
 صندوقچه چوبی خورد
 شیمه و قوت غذائی روغن
 پاپوش چوبی و نالی
 شیر پوشگ اطفال
 چار رخ - تیز و چالاک
 حیوان چاق شده و
 نرمی دو مفصل
 کفش چوبی
 هم پلق و با انگشت مابینی
 کسی را زدن
 در ظرف که ماست
 مایه میشود
 زولانه و بند آهنی
 بند آهنی برای بستن حیوانات
 خنده دوامدار
 کبک

نابلدی و نارسائی
 با سختی چیزی را قطع کردن
 بسته
 غم و اندوه
 باحوصله و پرکار
 فیته سر آستین
 قلبه کردن و تخم پاشیدن
 بالای زمین
 مریضی جذامی
 جذامی شده
 در بین خاک غلتگ زدن
 قیچی و اصلاح موی سر
 ممسیک و خسیس
 غچی و پرستو
 آدم سرخ رنگ و کم موی
 بی دندان
 خزنده که در وجود حیوانات
 زندگی دارد
 چیزی میان تهی و پوک شده
 چقور و عمیق
 فوری و عاجل
 از عقب خود کشاندن
 رهنمائی و رهبری کس را
 کوزه کوچک و کوزه چه
 گیاه کوهی چای مانند
 میدگی برنج و چیزهای
 نرم شده
 جذامی و مریضی
 کمین کردن
 کمین برای کسی گرفتن
 چقماق و یا سگرت لایتر
 مشکوله
 دسته چکش و تیشه
 کارد خورد
 کاسه چوبی و خمره
 یخ بسته
 پوشگ اطفال
 شوهر خواهر
 انتقال چیزی به زحمت
 کلید و مفتاح
 پوچک تفنگ
 خیز زدن و پر تاب کردن
 زرنگ و زیرک
 تصاحب کردن چیزی
 پوست درخت که دوباره بروید
 مدد و همکاری کننده
 ترکیدن و از هم پاشیدن

سر مه چشم
برج و سنگر

که جل
کاوشه

هزاره گی حرف «گ»

دری

طرف سایه

گیرو

گردن

گردو

انبان و خریطه ساخته شده

از پوست بز و گوسفند

گودای

لول خورده و فریب خورده

گوی خور دلجی

چپه کردن

گوی دلجی

سگ نر

گین دوگ

سرگین کلوله شده حیوانات

گوده

ر مه گاو و اسپ

گوروم

گوسفند

گوسپو

گوسفندان

گوسپندو

مجادله و مشاجره لفظی

گوی گبله

به مشاجره انداختن

گوی گبله دلجی

غالمغال و صدای بلند

گل گولجا

غالمغال کردن

گل گولجا دلجی

سهو و عمل غیر عمدی

گو مثنی

سماروق

گوشی بره

مراقبت و کی شیگ دادن

گی ته

پیچیده گی و سر در گمی

گجاو نگ

پیچیده ساختن

گجاو نگله

ادرار و باول کردن

گی میز

کم و اندک

گردوگگ

مقابل قریه و آن طرف دره

گودره

اتاق کوچک ذخیره خانه

گن جی نه

پهلوی اتاق نشیمن

گه چه

راهگم و سرگیچه

گچ خائی

سرزنش و تهدید

گداوله

نان جو و باقلی

گو لو غود

آدم قوی جثه و پهلوان

گی گی

بعضی اوقات

گوده گک

کلوله و فریه

گرد شد

وفات شدن

گی ری

گره

گردندو

استفراغ و تهوع

گوزرنده

خود خواه و کلان کار

گولندو

تکان دادن

گیرد گیره

محاصره

گیر ده له

مدور

گن گورلجی

زبان بازی و پر حرفی کردن

گی در کو

شی هرزه و بیکاره

گور گور ته راق

رعد و برق و صاعقه

گال

ارزن

گاه

سر وقت

تسلیم و مطابعت

گردو ده دو

اندک و نا چیز

گی شو

ناله کردن از شدت مریضی

گی مری

دسته تیر و تیشه

گی سه

زن سیاه بخت و طلاق شده

گی مل

جای گوسفندان در صحرا و قریه گاش

گول

گیج و بی حال

گوله

لقمه

گورل

دشمنی

گید گه

پشت گردن

گوبه

روی فربه و گشتی

گاینه

قدیمی

گه له

تویانه و پول عروسی

گین جی

شرط و گیرو

گنده لوخ

چوبپوسیده

حد بندی آبیاری زمین زراعتی

گور زک

خورد و ریزه

گل گو جور

حالت نیمه هوش

گن گی

کم فکر و کم استعداد

گن گو جل

علامت و نشان گذاشتن

گی نگ

برای ببول بازی

گن گورگ

مریضی خفیف صدری

گو یگ

بیجا شدن مفصل از سورین

گورجی

خشم آلود بطرف چیزی دیدن

گه گله

لکنت و بندیش زبان

دری

هزاره گی حرف «ل»

ظرفیکه در آن گندم بریان شود

لیلا غو

قدم های کلان و فراخ

لوگ لوگ

چیزی لغزنده و لشم

لخ شوم

لشم کردن زنانه

لخ شوم له

لشمگ

لخشو مگ

لاغر و ضعیف

له فی

کم جان و ضعیف اندام

لغ لی

تکه

لاته

غذا از آرد جواری

لی تی

تنبل و سست

له میشت

طفل بی حال و بیکاره

له میشتگ

تنبل

لیخ تگ

متکبر و مغرور

لخشگ

یخ مالگ

له مه یگ

بیکاره و تنبل

لامو

رنگ نصوراری

لیخت

شخ و بلند

لالگ

گل لاله

لوو

چپه کردن مواد مایع

لوره

شکم پرست

هزاره گی حرف «م»

دری	م
چوبیکه با آن گیاه را از زمین بیرون میکنند	میخ چیل
میکنی	مو کو نی
می شوی	موشی
می روی؟	موری؟
دود رو سقف خانه	موری
مهر برای نماز خواندن	مور
اهل تشیع	موتگ
گردن و بازو های انسان	موتگ له
خورد ساختن گوشت حیوانات	موتگ له دلجی
خورد کردن گوشت و شکستادن گردن انسان	ماشیو
برگ و تکه پشمی درپشی	ماشیو بافتو
بافتن برگ	موتیو
مشت پور انسان	مه غز تو
نان روغنی	می یه
می آید	موره
می رود	موروم
می روم	مورند
میروند	مه چگ
دسته از اطفال	مر دکو
مرد ها	موگج
لج و تعصب	موگج له
لج بازی کردن	مخته
ناله و گریان زیاد	مخته
ناله و گریان کردن	مختله
گریان دادن	مختلجی
گریان دادن	موشنگ
آرد کردن مقدار کمی از گندم	کوشنگله
خیز زدن	می مه یگ
آمادگی برای جنگ کردن	می مه یگده
آماده جنگ	می مه یگله
تیاری برای جنگ	می مه یگدلجی
جنگ دادن دو نفر	می له
میگذارد	مه خاوگ
بد خوئی و گریه کردن زیاد	من جی
ارسال پیغام و احوال	من جی دلجی
پیغام و احوال روان کردن	منته
دست و پای بدون انگشت	منته له
بریدن انگشتان دست و پا	مونتیله
قطع کردن	منته دلجی
قطع نمودن انگشت ها	مونه
بریدن چیزی توسط آلات جارحه	مانی
مادر کلان	مانی دلجی
مانع و جلوگیری کردن	
مانع شدن	

شلوخ	پستان
لولوک	نوک پستان
لاق	سر تاس و بی موی
لیختگده	کلانکاری
لیختلجی	بلند کردن
لیخت شدو	بلند شدن
لیگت	خراب و درهم
لخشمدلجی	آرایش کردن زنانه
لمیشت له	تنبلی
لرلجی	پرتگاه و سیلاب زدگی
لیش دلجی	از ریشه کندن چیزی
لا دودلجی	پرتاب کردن سنگ و یا چیزی
لنده یگ	قد کوتاه
له پند	سست و تنبل
لازمی زنو	تنبان و زیر جامه
لا غام	لجام دهن اسپ
لار	حرکت
لوگ	گوشه چشم نزدیک بینی
لاغ	برهنه
لی سگ	برهنه
لور	زمین چونه سار
لی کور	مرغ گوشت خوار
لو میو	ریگ شوئی گندم
لخ	برهنه
له دهک	چیزی کم گشتار باشد
لوغمه	لقمه
له دو	مرکب بد رفتار
لی لی دو	ریسیدن پشم
لگچو	چوب دبل برای کوبیدن حیوانات
لیرو	زمین نم دار قابل قلبه
لغ لی	لاغر اندام
	جدا کردن چیزی
لوری له	کلان از کوچک
لن جه	گوشت شانه اسپ
له وگده	بازی با دست و پا خیز زدن
له له	درخشش صورت انسان
لی لی	حالت جنون و دیوانگی
لووه سی	درخشان و تابان

موله له	شرط بندی کردن	مانی له	جلوگیری کردن
مش قولی	مصروفیت	می خوردو	قصد برای حمله کردن
موشت	خیز زدن	مول	زیاد و فراوان
موشت دلجی	وادار کردن کسی به خیز زدن	مو لجه	مدت و موعد
موشتگ له	خیز خیزگ	مه لنجور	بیمار گونه
ماف تیوه	آفتابه	موفت	افتادن
ماکود	خوشه بریان شده گندم	موفتلجی	افتادن کسی
ماکود دلجی	بریان کردن خوشه گندم	مه خاو	جذامی
ماخ	بوسه و ماچ	می چیت	ستاره های کوچک
ماخ دلجی	بوسه کردن	می ین	پروین و ثریا
ماخگ له	متواتر ماچ کردن	میرگن	کمر
ماخ ماخگ	ماچ نمودن زیاد	موندی	شکار چی ماهر
ماکی	مرغ ماکیان	موغول	بز بی شاخ
مه نگ	ظرف پیمانانه و اندازه گیری	می قو	پاک نظیف و زیبا
مند خسو	خسته و مانده	مین جی	بسیار سفید
موندلی	مدور و گیرد و چوب رخدار	مو گویه	بند دست
موندلی دلجی	گیرد ساختن	ماره که	میگوید
موندلی کدو	مدور و گرد کردن چوب	ماره که دلجی	مجلس و محفل
ماشوغه	معشوقه	موله	جلسه مشترک دایر کردن
ماشوغه دلجی	معشوقه کردن	موکه	نمد های زیر پالان حیوانات
ماشوغه له	عشق بازی	مونت	جوراب پشمی برکی
مور شه	خاکستری	مو ته غگ	مو عودیکه به آینده موکول شده باشد
مور دله	کسی را به شانه و بازو زدن	ماو داد	شکستن گردن
مور غمبی	گیاه کوهی خوردنی	من گیر	خموشی و گیچ
ماشوله	گیاه خار دار	کنایه از روی شوخی طعنه زدن مه ته لگ	به فکر فرو رفتن و معطلی
مه روت	نرم و آهسته	گیاه دوائی برای مریضی خاص مو جیله	کنایه از روی شوخی طعنه زدن مه ته لگ
موجیله	درمان و تداوی	مینه گی	گیاه دوائی برای مریضی خاص مو جیله
مونده کی	مشت زدن	مانی دلجی	میانجگری - مابینی و وسطی
مونده	کوتاه و کلوله	موخت	ممانعت کردن
مونده له	کوتاه کردن چوب دراز	موخت دلجی	محکم
وجی	خطهای جدا کننده زمین	موختلجی	محکم کردن
	زراعتی للمی	مه شه رت	محکم شدن
	سم و ناخن پای حیوانات چهارپای منگگ	مو خسپه دلمه	بحث بی مورد و مشاجره
	پروین چند ستاره کوچک	ماف تی	دلم برای دیدن می طپد
	بز گوش کوتاه	مه لل	مهتاب
	کوتاه گک	مینه کلگی	حساسیت
	کرایه	مه خول	اولاد مابینی
	فرصت و زمان	مه خوله	خجیل آرام و مریض
	زشت و بد قواره	مه حول دلجی	حالت مریض شدن
	کمر بند تکه ای	مه کر تو	کسی را مریض کردن
	آرام و خون سرد	مه کر توله	فریب کار و نیرنگ باز
	دسته کردن خیمچه	مه کر توله دلجی	فریب کاری کردن
	پوش چرمی دسته داس	مه کر توله دلجی	اطفال را نیرنگ باز
	حرف زدن با بینی	موله	تربیه کردن
	صحبت کردن از طریق بینی	موله مندلی	عدد شرط بندی
	کسی را از بینی معیوب کردن		شرط ماندن
	از بند رها کردن چیزی		

دیده شدن نیمروخ چیزی
شخص بدون انگشت
انگشت کسی را قطع کردن
انگشت قطع شده
بدون سنجش گپ زدن
تخت خواب موقتی
حلقه که اطراف زخم میگذارند
نقاشی بافته شده گلم رنگه
معطلی با چیزی و دیگر
شدن موضوع
مهارت و لیاقت در کاری
گروگان برای چیزی
بیجا شدن مفصل دست و پا
گیاه کوهی دوائی و طبی

هزاره گی حرف «ن»

دری آهسته
آهسته و آرام کار کردن
آهسته دویدن و راه رفتن
نم ناک
نمیشود
نمیرود
چیزی نوری و اطفالشیر خوار
چشم به چشم ببین
چشم به چشم شدن
چشم به چشم کردن
مقبول
مقبول و زیبا ساختن
خود را مقبول نشان دادن
ریسمانیکه اسپ و
مرکب بند میشوند
مریض
مرضی و کسالت
مریض ساختن
هوشیار و زیرک
هوشیاری و چالاکي
کسی را هوشیار تربیه کردن
نمیگذارد
غذای چاشت و شب
بد طالع - ذلت و خواری
بد طالعی کردن
کسی را بد طالع ساختن
در پناه و مصونیت
در پناه و کناره گرفتن کسی
پراته و نانیکه با
روغن سرخ شود
بدگزاره - بد خلق و نادرست

ناز و کرشمه
ناز و کرشمه کردن
ضعیف و کم قوت
کم قوتی و ضعیفی کردن
چپه و سر نگون کردن
چپه و سر نگون
سیالدارای بردن در
مراسم عروسی
نا دار و چیزی خراب شده
نادار و ضعیف کردن کسی
سرکشی و نا فرمانی
نقش و نگار
حوض و جای ذخیره آب
سنگر و کمین گاه شکار
قربانی و وقف کردن
خود و چیزیرا
اشتباه و سهوا
خیلی زیاد
شوخی کردن
بوی کردن
بستن دروازه
شوخ طبیعت
جستجوی چیزی با بوی نمودن
به چیزی اهمیت و اعتنا کردن
اهمیت دادن
ناز و عشوه
ناز کردن
چراگاه
نیمرخ کسی از کمینگاه
دیده شود
اسپ فربه و قوی
نشان دادن
کمک و همکاری
مساعدت و همکاری کردن
غذای از نان چکه و روغن
غذای از نان همراه دوغ
و روغن
کم اهمیت و بی ارزش
نمد فرش خانه
مخفی و پنهان
زیور گل بینی زنانه
پنهان شدن
مخفی کردن کسی
چیزی را زیر پای کردن
بیر و بار و لگد مال کردن
زیرنظارت گرفتن
کسی و چیزی

نخره
نخره له
نا تو
نا تو له
نوکسردلجی
نوکسر
نیما وری
نا بود
نا بود دلجی
نا به شه
نه خش
نه وور
نوچه
ناویر
نسندی
ناووج
نا جوبله
بو نه جی
نیو کدو
ناجوب
بو نه جیله
نی یز دلجی
نی یز له
نیل بی
نیل بی له
نی لو
نیم ری
نه وه کش
نیشو دلجی
نیمه سو
نیمه سوله
نان غی رأی
نان به ته
نا طوره
نی ماد
نیم ره
نا تی
نیم ره له
نیمره دلجی
نر غیلده
نر غیلده له
نی کول

تحت کنترل داشتن
زیر مراقبت گرفتن
سر پیچی و ستیزندگی

نیکول دلجی
نیکول له
نه غه شی

گیاه هرزه گندم مانند
جوان و برنا
روشن کردن آتش
جوی چه
غده و دانه کلان
لانه و آشیان
اصل و نژاد
پیمانانه و مقیاس
زولانه و دست بند زندانی
بد بین بودن
بد بینی
گل کنه و جای کندن گل
صدای بز نر
جای سوراخ دسته تیشه و تیر
ضعف و بیهوشی
کشتن حشره مضیره
لجاجت برای شرط بستن
فراموشی
رگ و پی
نوعی از درخت چنار
شگفت کردن و
عجیب و مقبول
مسخره
پیمانانه و مقیاس
ناگهان و دفعتا
گشتار و رفتار بد اسپ
تصمیم و اراده آزاد
سلب اراده و آزادی
انسان بد اخلاق و بد کردار
ولگرد و هرزه گردی
لنگیدن پا
دعوا کردن
گیاه شلک که درو نشود
شک و گمان
ملامتی نکوهش و سرزنش

هزاره گی حرف «ه»

هیفت خشک
هوش بورغو ترسو و کم جرأت
هم قوراغ هم سن و سال
هیلمگ چشمک زدن
هیلمکله چشمک کردن
هیس هیچ
هوشرو باهوش و با فکر
هوش په رک وار خطا
هر غه دل هر وقت و زمان
هوله جی گریه و ناله اطفال

هزاره گی حرف «و»

عجیب و نمونه
چشم
نشسته به خواب رفتن
بند قنناق و سارغ اطفال
غذای مخلوط آرد و روغن
نشسته خواب کردن
نشسته خواب دادن اطفال
مسخره گی و بی حیائی
بیحیائی و حرکات عجیب
انجام دادن
سرگین فضلہ حیوانی
دفعتا و وارخطائی
مغرور و متکبر
سطحی و سرسری
سطحی کاری
طور سرسری کاری را
انجام دادن
نوشیدن مایع
نوشانیدن مایعات به کسی
چهره و رنگ سیما
قیافه و سیما کشیدن
گریان و عذر و زاری
گریه بلند و عذر و زاری کردن
بیگاری حکومتی
بیگاری کردن
دام برای پرندگان از موی اسپ و رغه
فرو رفتگی یک ساحه
مادر حال و اجنه
اولاد اندری و برادر اندری
بهانه جوئی
وقف کردن
وقف
لجاجت و مباحثه
لجاجت کردن
بعداً و پسانتر
واسکت
گریستن بلند
کمر بند حیوانات بار بری
خوف و ترس
ترسانیدن
استفراغ و تهوع
آشیانه و لانه پرندگان

وز گه نه
وقره
ور گیله
ورده مه
و ماج
ور گیله له
ور گیله دلجی
وزگنه گی
وزگنه دلجی
ودکو
ولغه تله
وماغ به له
وبول
وبوله
وبول دلجی
و چی
وچیدلجی
ونگه
ونگه له
وا ویلا
وا ویلا دلجی
وولاو
وولاو دلجی
ورغه
ووته پور
ووخ لای
ووگی
ولغه طلب
وخم دلجی
وخم
ووشت
ووشت له
ووسه
ووش کت
وق قس
وولنگ
وام
وام دلجی
وغ له
وورده

وادار به گریه کردن اطفال
 دو زن در یک شوهر
 داغ کردن

هزاره گی حرف «ی»

شوهر همشیره
 زن برادر
 بکلی و یکباره گی
 خنک خورده
 خنک خوردن
 کلان کار و خود خواه
 کلان کاری کردن و خود نمائی یخگله
 تبار و خنک خورده
 اشاره
 اشاره کردن
 گذاشت و اجازه داد
 اجازه دادن
 خنک خور و تب داشتن
 خنک خوردن و تب داشتن
 صرفه جوئی
 احتیاط
 صرفه جوئی و احتیاط کردن
 برادر شوهر
 زخم و خراشیدگی پوست بدن
 مثل و مانند
 سرد و بی محتوا
 دوره و زمان

زمینیکه یک بار قلبه شده باشد یگ اله
 خواب گاه گوسفندان ئی یل
 بز نر
 متواتر و پی در پی
 علف کوهی سوزن مانند
 ارسال و فرستادن
 ارسال کردن و فرستادن
 مکمل و تماماً
 اسپ تند رو که تکان ندارد
 شبه ساختن
 چوبیکه در وقت قلبه به گردن
 گاو می اندازد
 تاریکه چوب یوغ با آن
 بهم بسته میشوند
 چوب کوچک که یوغ به
 آن بسته میشود
 لقمه
 خستگی پای
 مؤثر و اثر کننده
 بی پناه
 امید کردن
 جدا کردن پت پشم از زیر آن
 تخریب و ویران کردن
 سر ریزه کردن مایعات
 کمک و معاونت
 مساعدت کردن

لهجه های مروج مردم هزاره با استفاده از دو جلد رساله ای لهجه های مروج مردم هزاره جاغوری و دایزنگی چاپ سالهای ۱۳۶۵ و ۱۳۶۹ ش نوشته صاحب قلم با برخی اصلاحات تکمیلی در چند قسمت تقدیم میشود.

با احترام ارادتمند تان محمد عوض نبی زاده
 ماه - اپریل - سال - ۲۰۱۷ میلادی